

سرمایه‌محوری یا جامعه‌گرایی

در جهان معاصر، با وجود تفاوت‌های روبنایی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورها، ما به‌طور کلی با دو نظام روبه‌رو هستیم؛ یکی سرمایه‌داری یا کاپیتالیستی و دیگری جامعه‌گرا یا سوسیالیستی. کاپیتالیسم از واژه‌ی Capitalism گرفته شده است؛ Capital در زبان انگلیسی معنای متفاوتی دارد، اما معنایی که در این بحث مورد نظر ماست، همانا «سرمایه» است. در واقع Capitalism را می‌توان نظامی دانست مبتنی بر حاکمیت سرمایه و به تبع آن حاکمیت صاحبان سرمایه و آن را می‌توان سرمایه‌سالاری، سرمایه‌گرایی، سرمایه‌محوری یا سرمایه‌داری ترجمه کرد. اما سوسیالیسم از واژه‌ی Socialism گرفته شده است. Social صفت واژه‌ی Society به معنای جامعه است و می‌توان آن را جامعه‌سالاری، جامعه‌گرایی یا جامعه‌محوری ترجمه کرد. با کمال تاسف در جامعه‌ی ایران این واژه ترجمه نشده (مگر به وسیله‌ی زنده یاد دکتر امیرحسین آریان‌پور) و به همان شکل فرنگی‌اش مورد استفاده قرار گرفته است. کمونیسم هم که در فلسفه‌ی علمی - که پایه‌گذاران آن مارکس و انگلس بودند - مرحله‌ی عالی سوسیالیسم محسوب می‌شود و هنوز هیچ کشوری در جهان وارد این مرحله نشده است، از واژه‌ی Community به معنای جامعه گرفته شده است. این واژه هم در زبان فارسی ترجمه نشده و به همان شکل به کار رفته است. در سال‌های آغازین پس از انقلاب، افرادی با سوء استفاده از آگاهی اندک گروه‌هایی از جامعه «کمو» را به معنای خنثی و «نیست» را به معنای «نیست» می‌گرفتند و بر در و دیوار شهر این ترکیب عجیب را می‌نوشتند که «کمونیست»، یعنی خدا نیست. در واقع Socialism و Communism را می‌توان نظام مبتنی بر حاکمیت جامعه یعنی اکثریت تولیدکنندگان مادی و فکری دانست.

در نظام سرمایه‌داری آنچه منشأ قدرت است «سرمایه» است. شما هر چقدر از سرمایه بیش‌تری برخوردار باشید، بیش‌تر می‌توانید از امکان‌های جامعه استفاده کنید در این جامعه‌ها تنها یک قدرت است که قادر به انجام همه‌ی کارهاست و آن سرمایه یا به زبان ساده‌تر «پول» است. به‌طور مثال کشور خودمان را در نظر بگیریم که با وجود تفاوت در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام حاکم بر آن نظام سرمایه‌محوری است. برای روشن شدن مطلب اجازه دهید نهاد آموزش و تحصیل را مورد بررسی قرار دهیم: اگر شما بسیار پول داشته باشید - که بعضی‌ها دارند می‌توانید فرزند خود را در یکی از دانشگاه‌های اروپا یا آمریکا ثبت‌نام کنید. در روزنامه‌های رسمی کشور به‌طور مرتب آگهی شرکت‌هایی چاپ می‌شود که تمام روند ثبت نام را با دقت و سرعت و البته با پول انجام می‌دهند. کشورهای سرمایه‌محور هم که پذیرش مهاجران را حتی با تحصیلات عادی، سن کم و زبان پیشرفته - پنج و گاه تا ده سال در نوبت نگه می‌دارند در دانشگاه‌هایشان را در عرض تنها چند ماه به روی فرزندان صاحبان سرمایه باز می‌کنند. اگر شما کمی کم‌تر از گروه اول پول داشته باشید، می‌توانید فرزند خود را به دبی بفرستید. آن‌جا دانشگاه‌های معروف جهان از هاروارد و آکسفورد گرفته تا مک‌گیل و استنفورد، در شهرک دانشگاهی زیبایی، شعبه‌های خود را افتتاح کرده‌اند. اگر پولتان اندکی از این هم کم‌تر است می‌توانید فرزند خود را در واحد آکسفورد دانشگاه آزاد ثبت‌نام کنید. ممکن است پول شما باز هم اندکی کم‌تر باشد نگران نباشید این ورجا در کیش و قشم، دانشگاه صنعتی شریف و دیگر دانشگاه‌های دولتی و معتبر کشور با همکاری دانشگاه‌های آلمان، انگلستان و دیگر کشورهای سرمایه‌محور، دانشگاه‌هایی تاسیس کرده‌اند و فرزند شما می‌تواند نیمی از دوران تحصیل خود را در ایران و نیم دیگر را در آلمان و یا انگلستان بگذراند و از هر دو دانشگاه مدرک بگیرد. اما ممکن است پول شما باز هم کم‌تر باشد، در آن صورت فرزندان را باید در دانشگاه آزاد ثبت‌نام کنید که به تقریب در همه جای کشور هرجا که شعبه‌ی بانکی است واحدی دارد (بگذریم از گروه بزرگی از زحمت‌کشان کشور که به راستی از نان شب خود می‌زنند تا هزینه‌ی تحصیل فرزندان خود را در این دانشگاه تأمین کنند.) باز هم پولتان کم‌تر است خوب می‌توانید در دانشگاه پیام نور ثبت‌نام کنید. این

دانشگاه همه جا شعبه دارد به تقریب هر جا که خانه دو یا سه طبقه‌ای وجود داشته باشد، تازه کلاس هم ندارد و فرزند شما می‌تواند روزهای دیگر هفته را کار کند و پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها به دانشگاه برود و به این طریق هزینه‌ی دانشگاه را تامین کند. (البته فرزند شما مجبور است برای پاس کردن واحدهای درسی بدون کلاس - هرچند که کلاس‌های رفع اشکال وجود دارد از موسسه‌های بیرونی یا کلاس‌های خصوصی استفاده کند.) اگر باز هم پولتان کم‌تر است باید در دانشگاه‌های دولتی قبول شوید، یعنی در میان یک میلیون و اندی نفر، در میان ده پانزده هزار نفر اول قرار بگیرید که این هم شدنی نیست مگر این که در کلاس‌های گوناگون کنکور یا معلم‌های خصوصی با شهریه‌های سرسام‌آور، شرکت کرده باشید یا تمام علائق خود را کناری گذاشته و چند سال به هزینه‌ی پدر و مادر در کنج خانه بمانید. باز هم پولتان کم‌تر است، دیگر شرمند ایم. باید فرزندان را - البته با هزار آشنا و پارتنی - در این کارخانه یا آن واحد تولیدی یا تجاری مشغول به کار کنید تا چندغاز به دست آورد. تازه شما بسیار خوشبختید، چون اگر باز هم سرمایه‌ی کم‌تری داشته باشید، یا هیچ سرمایه‌ای نداشته باشید، فرزند بی‌گناه شما که ازاده‌ای در این‌که در چه سده‌ای، در کدام قاره، در کدام کشور و در کدام طبقه و قشر اجتماعی به دنیا آمده، نداشته است، می‌تواند در خیابان‌ها شیشه پاک کند، فال حافظ بفروشد، دست به سرقت یا فحشا ببرد و به شبکه‌ی قاچاق مواد مخدر پیوندد و... ملاحظه می‌فرمایید! در نظام سرمایه‌محور، سرمایه می‌تواند از فرزند شما فارغ‌التحصیل بسیار محترم، فاضل، مودب و بسیار پولدار دانشگاه‌های جهان را بیافریند و یا او را به عنوان فردی بی‌سواد، احمق، بی‌کار، فاسد، بی‌ادب و مایه‌ی ننگ تحویل جامعه دهد. اولی را به مدارج بالای قدرت، ثروت و احترام سوق دهد و دیگری را در ورطه‌ی فساد، تباهی و حقارت درغلطاند. البته گاه حاکمان بسیار محترم، برای حفظ حرمت جامعه - یعنی همان گروه اول مجبورند او را که مایه‌ی تباهی است در خیابان‌ها بگردانند، زندانی‌اش کنند و به چوبه‌ی دار بسپارند.

حاکمیت پول تنها در نظام آموزشی دانشگاه‌ها حاکم نیست، بلکه تمام عرصه‌های آموزشی را هم در بر می‌گیرد. مهد کودک‌ها که کودکان، یکی از مهم‌ترین دوره‌های آموزشی خود را در آن می‌گذرانند نیز از این قاعده مستثنا نیستند. این مهدها از بعضی «بچه‌دانی»های فاقد هرگونه استاندارد آغاز و تا مهدهای چند میلیون تومانی ادامه

می‌یابند. کیفیت مدرسه‌ها، دبیرستان‌ها، موسسه‌های گوناگون آموزشی و کلاس‌های کنکور در درجه‌ی اول به میزان پول و سرمایه‌ی شما مربوط است. اگر سری به یک مدرسه در روستاها و حاشیه‌ی شهرهای بزرگ بزنید و سپس از مراکز آموزشی شمال شهر تهران بازدید کنید، به حاکمیت پول و سرمایه پی می‌برید.

اما نظام جامعه‌گرا بر چندین اصل بنیادین استوار است که یکی از آن‌ها آموزش و تحصیل برای همگان است. در این نظام، آموزش در هیچ مرحله‌ای، پولی نیست و همگان بر اساس شایستگی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. علت آن هم روشن است. تمام کودکان که در واقع اراده‌ای در این‌که در کدام سده، کدام قاره، کدام کشور و کدام قشر و طبقه‌ی اجتماعی به دنیا بیایند، ندارند، حق دارند از آموزش و تحصیل همگانی و رایگان برخوردار شوند. در ماده‌ی اول اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر آمده است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند... در ماده‌ی دوم تاکید شده است که: هر کس می‌تواند بدون هیچ گونه تمایز، به‌خصوص از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده‌ی سیاسی یا هر عقیده‌ی دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگری، از تمام حقوق و آزادی‌هایی که در اعلامیه‌ی حاضر ذکر شده است، بهره‌مند شود.»

در نظام جامعه‌گرا نه تنها تحصیل برای همگان تامین می‌شود، بلکه با توجه به سطح رشد جامعه و امکانات، باید تا سطح معینی اجباری باشد و این سطح به‌طور مرتب باید بالا و بالاتر رود. این اصل نظام جامعه‌گرا که در ماده‌ی بیست و ششم اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تصریح شده است: «هر کس حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش، دست‌کم تا حدودی که مربوط به آموزش ابتدایی و اساسی است، باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با تساری کامل به روی همه باز باشد تا همه به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند شوند.»

در ماده‌ی سی‌ام قانون اساسی کشور خود ما هم آمده است «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه‌ی ملت تا پایان دوره‌ی متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش

دهد. آموزش و تحصیل رایگان و همگانی نه تنها جزو حقوق بنیادین انسان است، بلکه امکان رشد، توسعه و آگاهی سراسر جامعه - و نه تنها گروه کوچکی - را هم فراهم می آورد.

باید در نظر داشت که در مرحله‌ی گذار جامعه‌ها از نظام سرمایه محور به نظام جامعه‌گرا، تا مدت‌ها این دو نظام بر یکدیگر اثر خواهند گذاشت: سرمایه‌محوری بر جامعه‌گرایی و جامعه‌گرایی بر سرمایه‌محوری. خط صاف و مستقیمی این دو نظام را از یکدیگر جدا نمی‌کند.

امروزه در بعضی از کشورهای پیش‌تر سرمایه‌محور تحت تاثیر مبارزات و تلاش‌های دستداران نظام جامعه‌گرایی و خردگرایی جامعه و عامل‌های دیگر، بعضی از اصول نظام جامعه‌گرا - نه به‌طور تمام و کمال - اما به‌طور نسبی به اجرا درآمده‌اند. در این کشورها آموزش و تحصیل در اختیار همگان و تا سن‌های معینی اجباری است. در نظام‌های جامعه‌گرای موجود و نظام‌های جامعه‌گرای آینده هم تا مدت‌ها ناهنجاری‌های نظام سرمایه‌محور اثر خود را بر نظام آموزشی آن‌ها باقی خواهد گذاشت اما آنچه به‌عنوان یکی از اصول قطعی نظام جامعه‌گرای بی‌تردید باید تحقق یابد و در واقع از ویژگی‌های شناسنامه‌ای این نظام است همانا آموزش و تحصیل رایگان و همگانی است.

